

نیچه درست

۲۱ خرداد ۹۷

DENIX

اروپا در عالم - سید عبد

Sunday 8 April 2018

۲۱ رجب ۱۴۳۹

* موقن در آتش خویش را خواهد ساخت
به خاکسترش گیسو تو است

* Josef Breuer ← پزشک و نیزیولوژیست اتریشی
تسلیخ طلاب دار علم روانکاوی

* Cou salome ← نوشته روسه بازنه / رشته الحیات با احترام
در نوشته با در بیان بزرگ زلفان خود مشهور بود

۱۹
یکشنبه

فروردین
۱۳۹۷

* داستان زندگی جایی شروع می شود که برادر نامهای از سالومه دریافت
می کند (قرار طلاق است)
* برادر پزشک است که ذهن خود را امیر واجه کند، خود بعضی
برنارده ، برادر : گیاسرویت صل این است که
مغزهای با هم که خاطر بر تا هم چون بازگیری در آن نقش آفرینند

* از طلاقات : سالومه شروع قانع کردن برادر برای در طان نیچه است
سالومه : از دست دادن او تیراندی شخصی بزرگ برای من است
این فقدان از من هم ناتر می رود ، وگ این فرد همان است عوالت خطیری
داشته باشد ، برای نما ، برای فریب اروپا و غرب

گروه صنعتی دنا



نتیجه خود را فیلسوفی می دانست پس از واکس کشی
 در پایه او خود را فیلسوفی می دانست (عجاج) هنوز برای او که ماه نیست
 او خود را همانند بنا میبرد می دانست که از زراعت خویش بیبرگ شده
 و میسر شده، آن راه مردمان از زراعت دارد
 ؟ مانند دریافت مطالب در مردم وجود ندارد و او در صحنه پایه
 پیش از موقع سرافشان آمده پس
 به خلوت خویش باز می گردد

۲۰
دوشنبه

فروردین
۱۳۹۷

سالنامه دستبرد، آزادی، بی پروا، عبور خود
 وظیفه خود را دیده این کار را می خود می دانست
 نتیجه بر این باور بوده چیزی به نام ^{کار} ^{میشود} وجود ندارد بلکه هر کسی
 می خواهد در پیشگاه سلطه شود و بر آفتاب خود بیفزاید
 هر کس با مشاهده در پیشگاه آنچه موهبت زانست (استعداد و توانایی) او است
 ضاهر است

تغییر سلطه در مورد شما در حال است
 ما تنها حیوانات هستیم از روی شما سرخ می کشیم!

ش ی د س ج پ ج

۳	۲	۱			
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶

DENIX

نوع ← گنبد آهنین است ، شکر - در راه است

فرستادن این سه اطلاعات به داخل مغز ، آن هم از یک روزی ۳mm
در سطح مغز ، در مسافت به این

بروم ← عماره تنظیم شده و تصفیه شده است ها از طریق در یک چشم
و از مسیر عصب بینایی به بخش بینایی مغز که مغز متصل شده
* کاهش در سه با وجود عدم تغییر در ایلمن

* خواب درین بروم ← در خواب برای پاسخ بر تا راه مردم

زین بروم مثل یک زاده نرم و گود در راه در خود فرود می آید

صحت دعای سقوط عنکبوت ! بعد از نماز سه شنبه تا استراحت کنیم
نوکندهای بر تخته کت است ولی هر چه تلاش می کنیم نمی توانیم آنرا بخواهیم

خواب زنی شیر ← زنی خواب می بیند ۹۰٪ سه در عین است و در سیری تاریک

در حال راه رفتن است ، سه های طلا یس یس از جیب او در افتد و در سحر در سحر

آنها دارد ، اما هوا چنان تاریک است که بیانشم که ما اوری غیر ممکن است !

سه گنبدی از سال های عمر است

← دریا : آرزوی کتیبه در باره به سال های سیری شده در بازگشت به جوانی

۲۱
سه شنبه

فروردین
۱۳۹۷

گروه صنعتی دنا



بردم ← شایه رویا بیاسرتر است
ترس از دست سال های عمر که به جای از دست می رود و بزودی چیزی

از آنجا بامنه منح مانده
← ارد در خواب در جاره ای تارک و طولانی قدم بهی دانسته

شایه بدنبال یا تنگ نموده اش (از زود - ترس) بود!

← فرویه: رویایم دوازده کویک ذهن ما، خود را به زحمت می اندازد

و حقیقت را در لفافه می پیچد، ← رویای تو به لغ یا تغییر نمی آید

رویایم دوازده چید دست می ترسد اگر در خواب چنین تغییری برسد

همه چیز رخ واضح شود و من رویا لوم بود!

تعبیر ← اینم که تو به ذهن کویک خواب ها را اطراف می کنی

و آنجا را در بیاسر تبدیل به ذهن نگاه ما می فرستد

رابطه ما از هم فاصله می گیرد، چنین دیدگاهی منتهی است!

← فرویه: شعوره جداگانه و خارج از خود آگاهی طراح رویاهای ما است

۲۲

چهارشنبه

فروردین

۱۳۹۷

بنده ← همه زندگی من به سفر بدل شده و گم گم احساس من سفر، اتفاق خانه من است
 اتفاقا کلمه استغاثه که همیشه به آن باز می‌گردم، بکاری اسم است! است
 بنده ← رفته آمده من زبان شناسه است
 علامه زیاده به فیلسوفان قبل از تقراط دادم و برای یک نظرات آگاه می‌باش
 ناچار شده‌ام به شرح اریه دسترس به انفس، مفسران این متن می‌باش
 نقیب من گفتند، گرم این موضوع تمام غیر عمدی است
 و به آن‌ها نمی‌توانند از عجب زبان خود یا فراتر بگذارند بلکه هستی
 از عجب اول زندگی نامه خود نیز خارج نمی‌شوند
 امید تراکم ترین صفت است! خداوند است!
 صفت خطایه است که بدون آن نمی‌توان است
 دشمن صفت دروغ نیست بلکه ایمان است
 آخرین یادداشتی در آن است! دیگر نمی‌شود
 هیچ طبیعی نمی‌تواند حق و باطل را از اساسی طلب کند
 بل ارتباط
 عوام و اشراف شناسی
 بکاره ناست از با روانه است
 بکاری را از مرتبه و بنده، هائیه

۳
 پنجشنبه
 فروردین
 ۹۷

بشو آنچه که هستی

بجای

معمولاً خدا حافظ یا الفاطمه همراه است که تکلم واقعاً را انظار می‌نهد

در دم می‌نویسد یا امیہ دیدار دوباره ، به سرعت برای تعدیه دیدار نشسته
در حالی که سرعتی که آن قصد خود را و او را روشن می‌کنند

برای : زدن ، زخم ، صورت تعلق ندارد پس خود را در محله و محووم

انظار بیگانه و عزیزان و واقع شده ام در نتیجه خود را محقر می‌نماید
و به کیفیت خود شکری بکنم

بجای : من است توانم یا امیہ را در تمام قسم من است خود را می‌نماید

یا امیہ بجای است که خود را می‌نماید خود را گاهی می‌بردند

بجای : نصیحت خصوصاً بلدینم ، من برای یک سال می‌نویسم

برای نوعی می‌نویسم

بجای : ما خندان استیم و زحمت او را آفریده ایم و حال من دانیم

بدون اساطیر مذہب ما را چگونه سر کنیم

انظار می‌نهد که زبان بروید : ما در میان این است در شان دیده

در حال آن که سر به اعتقاد ، قانونی برای رفتار انسان آفرید

نوعی اصلاحات جدیدی که در دسترس بود می‌تواند جایگزین

موسوم پرستی و شکست استباین ، ما در الطبیعه بود



روان در حالت بافتار از نظر برودت
 من به اثر شفا بخش بودن نشخ ایسان ملام
 دور رفتن ام در برابر ذهن نگاه می کنیم
 بجهت من برای خلاصه شدن نویسم ، برای خواص من نویسم

نظر نیمی در مورد رنگ : لوله اسلحه چند جسم با کله با به نظر می رسد

بجهت پیرطاس : در سن و تو سفاکندظان کسبش مانت
 را خوب می شناسیم ، که صف خود را بر شیراز بروخ نقش می کشد

۲۶
یکشنبه

فروردین
۱۳۹۷

وکل بر شیراز را دستایم از فول بر توانایه خویش می سازند
 ما نیویکازیم مسووم را خوب می شناسیم

بجهت : رویا روی با خود اهدا بین سیر ما قوه تر می کشد
 نظر برودت - بجهت : او خود را هفت طبعی می بیند برای کار

* وجود عشق با خود نگاه به بجهت + برودت
 برودت - زیر زویه : عدد نقطه اوج صعود زندگی است !

دشمن ایزد نظر ها این است ، انسان راه سراسیمه می اندازد
 * منظور همان هوشتای که با خود نگاه می کند است ، مدخل بجهت به ولهم امان
 در خواست کلام من کند ، او برودت با خود عهد بست

ش	ی	د	س	ج	ح
۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۲۸	۲۹	۳۰			

DENIX

روشنی بر روی ما که بخار می‌دهد

بر روی: من بر اثر کما حق تعالی اعترف و در دل اعتقاد دارم به طاعت و نماز و هاتوا این
 کتبش هاتوا دعائش که با کتبش اعتراعات، آنگاه استین من در عهد
 فزیه منم دانم این کتبش ناسته از اعتراف است یا حاصل
 ایان به که روشی الاهی

* بر روی: نجس هوایار نا خود گناه ما قدر وجودیت حراطه نیست
 همان بیار جیره نا خود گناه

بچه (بچه) با به بتواند با این بخش از خود بسیار شود
 او با به با خود را که ترش از شیران امری طبیعی است

نظر بر روی در باره در طایفه بیچاره ← نه با به بیچاره خود با به
 توضیح نمی ← زیرا کسی نمی تواند از ملک گشاید بگریه و
 انسان نیازمند نیروی است تا خود، یا بر فرسوده باشد

و نیجه: سابه یک مرد، تنها با خود بودم می تواند زمانش وجود یک
 نیجه: من گناه با چشمان بسته گستره می بینم (تو شوم دلیل)
 نیجه: مسطرات تنها این دلیل برده می کند تا آنجکه را نمی خواهد ببیند

از نظرش بچنان کند؛ انظار به اندیش هم میوم تا ج که
 تاده کفایت بندش را فاسد کند امروزه ایجا را ترک می کرد که او پر کسیم
 اگر استبدال ما بنیایش کرده بود چه می دید

منوط ۲۵۷
 نوبت ۱۵۶

۲۷
 دوشنبه

فروردین
 ۱۳۹۷